

آختار

۱۲۹۳

مطبعه و اداره خانه درخان والده دروازه
مخصوصه است

مکتبی که برای درج کازت با اداره داده
شده و طبع نشود و صاحبش رد نخواهد شد

مکتبی که اجرت پوست ان داده نشده
است از جانب اداره قبول نخواهد شد

قیمت سالیانه شش مجیدیه سفید
شش ماه چهار مجیدیه سفید
یک نسخه ۵۰ پاره رایج است
اجرت پوست سالیانه در داده شده برای
خارج شش مجیدیه سفید افزوده خواهد شد
غیر از روزهای جمعه و یکشنبه همه روزه
طبع و نشر خواهد شد

این کازت از او ش که نام کن و از سیاست و پر تیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت هر کس که بخواهد مجامع قبول و طبع خواهد شد
از اهلانی که در ضمن عادت نوشته شود بر سطره غرضش و از اعلانات عادی بر سطره غرضش انداخته خواهد شد

⚡ خطر مخصوص ⚡

زمان حصول اعتدال ربیعی و یکسان بودن ساعات شب و روز . یعنی هنگام محاذی شدن آفتاب جهان افروز بول برج حمل و مبدی تجدید سال شمسی . در ذلالت ایران بنور روز معروف است . آن روز فیروز که طبیعت را روز تازه کی و خرمی است عید بزرگ ملتی قرار داده و آن روز را بفرخنده کی و مبارکی روز جشن و سرور داشته همدیگر را مبارک باد گویند و تهنیت کنند و بعضی آداب و عینهای مخصوص دارند که همه از زمانهای قدیم مانده و هر کدامی را جهت و مآخذی هست . این عید مخصوص اساسا شش روز بوده است . ولی در ممالک ایران باختلاف امکنه و ملاحظه و وسعت وقت برای دید و بازدید بسامی شود که در میان اهالی ملت زیاده تر بکیند .

چون اختر بزبان شیرین فارسی و لغت ملتی ایران است و رعایت رسم و احترام عید را با بین ملتی و طبعه خود می دانست ایست که از روز دوشنبه تا سه روز تعطیل را احتراماً ملایم لازم دیده و بعد از آن بیاری توفیق کاکان منعطف خواهد کردید .

⚡ ریاست روحانیه و حکومت جغتایه ⚡

در میان ملتها و جغتایه روی زمین آنکه دین و آیینی را قبول کرده اند . اطاعت و رعایت روحانیه و احترامات ایشان را بر خویش لازم می دانند . و هر ملت و گروهی بسبب و سیاق خودشان و با اصطلاحاتی که دارند ایشان را بنامی خوانند و با القاب و عنوانهای مخصوصه ملقب و معنون دارند .

کار این رؤسای روحانیه چیست ؟ و وظائف آنها کدام است ؟ واضح است که عمده وظیفه ایشان اینست که معالم دین و عقائد خداشناسی و راه طاعت و عبادات و شریای و آداب مشروعه آیین را ب مردم بیاموزند . و آنها را به تہذیب اخلاق و آداب حسته دعوت کنند . و به کردارهای نیک امر نمایند . و از کارهای ناشایست و منکرات منوع دارند .

وظائف حکومت جغتایه ترتیب اسباب امن و امان

و محافظت جان و مال و ناموس اهالی و متفرعات آن است . و در عهده اوست آباد داشتن مملکت و بلاد و بسط بساط عدل و داد . و آسوده کردن بندکان خدا از هر یک و بیم و مشغول داشتن آنها برفق و لطف عیم .

ولی باید فهمید که آیا وظائف روحانیه و جغتایه همدیگر مربوط است یا نه ؟ یقینا بسته همدیگر است بعلت اینکه روح و جسم از همدیگر جدا نتوانند شد . و قیام و قوام هر یکی ب دیگری است . پس در این صورت می توانیم بگویم که ریاست دوقوت جغتایه و روحانیه باید یک و تیره و مسلک معتدل و متفق علیهم پیشنهاد خود داشته باشند . تا آنکه دیگر اعضا و اجزای وطن نتوانند بدون اختلاف جهات بدرجات عالیة سعادت و نیک بختی برسند .

این است که در ضمن و صیابی پادشاهان و فرامین مطاعه که در بعضی مواد و خصوصاً در تعیین ولایه عهده شرف صدور می یابد . اول وصیتی که تا کید در آن میفرمایند رعایت احترام در حق علای اعلام و شرفا و سادات کرام است .

این یکی برای نمونه آورده شد و بدیهی است که در میان هر ملت و قومی رؤسای روحانیه را محترم داشتن و موافق بودن خیالات ایشان با منقورات عادلاته و مقدسه دولت از اهم امور است .

ولی باید دانست که این سخن در کلیه مطلب است . و اگر بعضی فیلسوف مشربان و آلهایی که از ننکات کار و معانی روحانیه و از علوم فوق الطبیعه خبر ندارند و نمیدانند که انسانها را بجز از تکالیف ظاهریه بعضی وظیفه های معنوی و اعتقادی هست . و بودن آنها گذشته از همه چیز برای نظم عالم اولین شرط است . بعضی سخنان بهیوده بیان آورده حالات ایشان را دست آور کرده و نوع را تحقیر می کنند یعنی حالات و اطوار یک نفر یا چند نفر را عنوان کرده بطور مطلق در باره عموم رؤسای روحانیه بعضی سخنان نا لایق گویند .

حال آنکه در میان هر گروهی خوبی و بدی متفاوت ممکن است . ولی از افراد و اشخاص در حق کلی

و عموم حکم کردن کار خردمندان نیست .

راست است کسی که باید مردم را براسی دعوت کند و راهنمایی براه خداشناسی و تہذیب اخلاق و اوصاف حسنه نماید . و از بدیها و ناشایست بپرهیزاند . ابتداء خود باید بآن صفات متصف باشد و کر نه حق ندارد در حالتیکه خود بد کردار و صاحب اوصاف ذمیه است . دیگران را اندرز و نصیحت کند .

باختلاف مکاتبا و مزاجها و آیین و آداب ملتها و مناسبات و جهات تعلق که در میان اهالی و رؤسای جغتایه و روحانیه هست وظائف و تکالیف این دو ریاست و حکومت مختلف و منسجم گردید . است . و در اغلب قطعات جهان که خواسته اند امر دولت و ملک و مملکت منظم گردد . طرف غالب آیین را که در میان ملت هست بیشتر رعایت کرده و این را مسلک مخصوص خودشان قرار داده اند . چنانکه دولت فرانسه مذهب کاتولیک را حامی گردیده و دولت المان مذهب پروتستان را . و این مطلب را اسباب قوام و دوام دولت دانسته اند .

در مملکتی که غالب اهالی آنها یک ملت و یک آیین و مذهب دارند این کار بعد از لزوم و اهمیت خیلی آسان است . ولی در مملکتی که ملل مختلفه و اصحاب ادیان و مذاهب متنوعه در آنها هست رعایت این مسلک مشکل تواند بود . و تکلیف حکومت در همچنان مقامی بسیار سنگین و طرف دقت خواهد کردید .

این مطلب اساس همه کارها و بنای انتظام کلیه امور ملک و مملکت است . خصوصا که از خارج نیز هر گونه اسباب فساد و تحریکی در میان کار باشد . در این حال فروعات کار و اعلان مساوات حقوق و تعادل و تأسیس محکمه ها و تنظیم قانونها کافی تواند بود . بعلت اینکه افراد ناس با همدیگر موافق الحال و هم مشرب و هم مسلک نیستند و از یک طرف هم اسباب دل سردی در میان است .

نظر تحقیرا بوضع قانونها از میان افراد نمیتواند برداشت . یعنی قانون اخلاق و آداب اهل مملکتی را اصلاح نمی کند . اخلاق و آداب اهالی مملکت که

با همدیگر موافق نشد . هزار قانون و نظام گذاشته شود سودی نتواند بخشید .

پس همچنان حکومتی باید تمامی همت خود را در تعدیل حال صنوف تبعه و طوائف ام که در تحت تابعیت او است مصروف دارد . و این هم بواسطه انتخاب علما و رؤسای روحانیه و تعیین اشخاص کار آگاه و دیگر وسائل و تدابیر حاصل تواند شد .

وسيله دیگر هم برای این کار مطبوعات است و نوشتن و انتشار رسائل و مؤلفات ب هر زبان واقعی که حاصل آن رساله ها و اوراق آگاه کردن مردم باشد از حقوق وطن داری . و اتفاقات و اتحادات و بستن راه مقاصد و معایب و تہذیب اخلاق آنها . و اكمال آزادی مطبوعات در این مواد . و ملتفت کردن مردم از بعض نکات و دقائق امور و جمع کردن این ملل مختلفه و طوائف متنوعه بنقطه واحده و یکانگی و اتحاد و اتفاق در آنچه لازم است اتفاق کنند .

نه اینکه هر طائفه درصد کرده دیگر خیال و اعتقاد دیگری داشته و بوجهی همدیگر را امین و اعتماد نوزند . بلکه سوء ظن عمومی در میان آنها بجهه طوری شایع باشد .

برای نمونه کار توانیم گفت که در اسلامبول تنها کازت استقبال بود که این مسلک را مستقیمانه پیش گرفته بود که آن نیز چندی است تعطیل شده است ولی می شنوم امروز فردا باز شروع بطبع و انتشار خواهد کرد . و از این قفره بنام انسانیت ممنونیت و خوشنودی داریم .

و احوال نقطه مهم همین است که عرض شد تفصل و مسائل حصول مقصود باقتضایات ملکیه و طبایع و مزاجه اهالی و ترتیب دادن تدابیر دیگر کار یک اداره مخصوصه بجهت این کار است .

(خبرهای تلگرافی)

(فرانسه)

باریس ۱۴ مارس

هیئت مجموعه وکلای دولت بیاننامه نوشته و منتشر

کردند که جله ماهامیان جمهوریست هستیم .
اسهام عمومی ۱۷ غروش ۱۰ ساندیم

پاریس ۱۴ مارس

بیاننامه هیئت وکلای متنی بر بیان هواخواهی جمهوریست
است . بیاننامه در مجلس سناتو و مجلس نظایات
خوانده شد همه بکمال خشنودی و امتنان این
بیاننامه را پذیرفتند . در این بیاننامه نوشته شده
است که در این نزدیکی آسایش و آرامی در شرق
(مقصود فقره اختلال هرک و پوسته است)
بطوریکه مطلوب است حاصل خواهد کرد .
ترقی دولت فرانسه بطور مطلق بواسطه آرامی
و آسایش و محافظت قوانین و نظامات منبر خواهد
شد . در آخر بیاننامه نوشته اند حکومت
حقوق مذهب و فاعیل و تصرفات ملت را حمایت
و محافظت خواهد نمود .

اسهام عمومی ۱۷ غروش ۴۵ ساندیم است .

انگلین

لندن ۱۴ مارس

اسهام عمومی ۱۷ غروش ۳۰ پاره است .

(اتریش - مجارستان)

وین ۱۴ مارس

فیئات اسهام در بورس تزل کرد .

راکوزه ۱۴ مارس

واحد افندی و مسیو هولس جنرال قونسل انگلیس
بایجا رسیدند .

ایضا ۱۵

واحد افندی امروز از اینجا بجانب هرک روانه
شد .

(ممالک عثمانیه)

(مملکتین)

بکرش ۱۵ مارس

مجلس سناتو مذاکرات مجلس را انجام دادند .
اعضای تازه از برای مجلس مذکور انتخاب خواهند
شد .

(المان)

برلین ایضا

بارون (آلوس ابر) منشی اول سفارت پتربورگ
بسمت جنرال دولت المان در بکرش منصوب گردید .
(روز هوا)

یونانستان

اتن ایضا

(آورکیو) نام کشیش در محکمه اعتراف کرد که
مسیو (بالاسپولو) وزیر سابق داخله ده هزار
فرانک داده است . مسیو (پتریس) اظهار
کرد که مسیو (کومونکلا) به (مسیو بالاسپولو)
پست و پنج هزار فرانک داده است .
(بوردیاتو)

(فرانسه)

پاریس ۱۵ مارس

مسیو ریشار بسمت اعضای دائمی مجلس سناتو

وزرات داخله انتخاب کرده شد . هوا خواهان
سمت قرالی از بیاننامه هیئت وکلا خشنود نیستند .

ایضا ۱۶

آبهر (سن) در بعض جاهای پاریس طغیان کرد
قیمت آرد ترقی کرد . مارشال (ماکاهون) بجاهایی که
آب طغیان کرده است عزیمت نموده اند . از همه جا
کومک و امداد میرسد تدابیر سدره طغیان آب بکار
میرند .

انگلین

لندن ۱۵ مارس

لیان (یعنی لکراک) روال در روز برای اقامت کتنبهای
شهر کشوده شد .

ایضا ۱۶

موازنه بانک انگلیس بروجه ذیل است .
وجه احتیاطی لبرای انگلیس ۱۱۶۱۲۰۰۰

سندات و کامپال ۲۱۸۰۶۲۰۰

وجه نقد ۲۳۹۳۷۰۰۰

(ایتالیا)

روما ۱۶ مارس

حکومت یک دارا افسون روحانی را بسته است .
بعثت اینکه بخلاف قاعده تشکیل و ترتیب داده بودند .

(صربستان)

بلغراد ۱۶ مارس

دیروز هیئت مدیران مجلس جمع شده اند این مجلس
تا ساعت ۳ بعد از نصف شب امتداد یافته است .

(مملکتین)

بکرش ۱۶ مارس

مجلس سناتو برهم شد . شورای ملت موقت تعطیل
کرد .

(روز هوا)

اتریش - مجارستان

وین ۱۴ مارس

سندات روم ابلی ۲۲ فلورین ۲۵ ساندیم
لبرای فرانسه ۰۹ ۲۶

لبرای عثمانی ۱۰ ۲۴
بجز از سندات دولتی باقی اسهام تزل کرد .

(فرانسه)

پاریس ۱۶ مارس

اسهام عمومی ۱۷ غروش ۵ ساندیم
سندات روم ابلی ۴۷ فرانک ۰۰

فیئات اسهام در تزل است .
سبزه ده نفر که از مأمورین مسیو بوفه بودند معزول
شدند .

(ایتالیا)

روما ۱۶ مارس

چون در شورای ملت طرف مخالفین حکومت روز روز
زیادتر می شوند می گویند هیئت وکلا استعفا
خواهند کرد .

(مملکتین)

بکرش ایضا

مجلس سناتو برهم شد شورای ملت تعطیل کرد .
(بوردیاتو)

(فرانسه)

پاریس ایضا

بیاننامه هیئت وکلای فرانسه را کارتهای المان و انگلیس
و ایتالیا آخرین و تحسین می کنند .

(ممالک عثمانیه)

قلعه سلطانیه ۱۷ مارس

واپور پوست مارسیل امروز در ساعت سه و نیم از اینجا
گذشت .

خبر داخله

جریده حوادث می نویسد دو کشتی جنکی
زاهدان و بعضی سفاین کوچک متعارف از جانب
دولت اتریش بلترکاه قلیق رسیده است .

از قراریکه تلگراف خبر داده است از ناخوشی طاعون
که در حله بروز کرده بود در خود بغداد نیز
پنج و شش نفری از ناخوشی گرفته و مرده اند .
این ناخوشی غالباً در حله بروز میکند بعثت اینکه
آنجایک جگه همواری است که اطراف آن بلندی
دارد و در آنجاها پنج و شش کوه زیاد میکارند . و آب
در تابستان کم می شود از یک طرف آن مزروعهای
شوک و از طرف دیگر کودها که آب آنها کشیده
شده و بعضی پیدا می کنند باعث این ناخوشی می شود
ولی نمی بایست به بغداد سرایت نماید بعثت اینکه
حکومت زود خبردار شده و البته از جانب صحیه
محافظت می بایست بکنند در حال خبر و احتیاطی
است . البته اولیای دولت علیه ایران نیز تدابیر
لازمه را در گرفتن جلو سرایت این علت موحشه
بکار خواهند برد خداوند سبحان رحم فرماید .

(کورسپوندانس اتریشین) نام کازتوین مینوید
بارون (رونیج) والی دالماسچارا دوباره پای تخت
خواسته اند .

روز گذشته صاحب امتیاز (ژورنال دومانتین) را
ضبطیه گرفته بدو حکومت متصرفی یک اوغلی
برده و سبب گرفتاری موی الهه این بوده است که
در کازت خود فصلی در خصوص قارخانهای یک
اوغلی نوشته بوده است . لکن باید دانست که
در خصوص مندرجات کازت و روزنامه ضبطیه
حق مداخله را دارد یا نه ؟ اگر ضبطیه این حق را
داشته باشد اداره مطبوعات را وظیفه چه خواهد
بود ؟

بروز علاوه جاتی که در حیدر پاشا بامید پیدا کردن
دفینه مشغول بوده اند . وزمین را میکنند بکار
دیده بودند تیشه به تخم شستی خورده و صدائی کرده

و خیال نمودند که بمقصد رسیده اند . و بشلای
تمام تخت سنک را که شکسته اند بجای خزینه آبی
بیرون آمد و مانند فواره بالا جست مخبر بفرینه این آب
خزینها در جای دیگر معین نمود که بعد از چند روز
دیگر شروع بکنند آنجا خواهند کرد تا از آنجا
چه بیرون آید .

چند روز پیش تفصیل گرفتاری (ماد موازل
مارکوس) فلکی و کان دیگر از روسای شورش را
و همچنین تدبیرهایی که از جانب دولت تریش در محافظت
حدود و تمهید اسباب پرکشتی شورشیان هرک
بخشهای خودشان بعمل آورده میشود . از روی
تلگرافها و کارتهای وین و غیره نوشته بودیم .
کازتهای اسلامبول و یک اوغلی اخبار مذکور را
از روی نوشته که از اداره بهیسه مطبوعات بآنها
رسیده بوده است در نسخه های دیروزی نوشته اند .
چون مال یکی است و تکراری یافته و تصنیع وقت
است . لهذا صرف نظر از نگارش ترجیه نوشته
رسمی مذکور کردیم .

کیفیت کشته شدن حال را در معرفی کوبی دیروز
نوشته بودیم . از قراریکه مذکور می شود قاتل
آن حال رفیق خودش بوده است که با او جل و نقل
اشباه می نموده است و بجهت دشمنی که باهمدیگر
داشته اند در وقت بسن بار بکار از سرش زده
و کشته است خود نیز بر این معنی اعتراف و اقرار
نموده است .

(مطبوعات محلیه راه آهن)

امروز در خصوص راه آهن آناتولی می خواستیم
سخن گویم . ولی لازمه آن آن بظنر آمد که در باره
اداره راه آهن روم ابلی چند کله بنویسیم که این
مطلب هم برای دولت مفید است و هم در حق
مردم بکار خواهد آمد .

چند بست اداره راه آهن روم ابلی مأمورین را کم
می کنند . و چند نفر را مرخص کرده است .
و شنیده می شود که چند نفر دیگر را هم بیرون
خواهند کرد . می خواهیم بدانیم که این ناخوشی کم
کردن مأمورین آخر بکجا خواهد رسید . حال آنکه
اعتقاد ما این است که مأمورین اداره مذکوره
و خصوصاً عمل جاتی که بجهت مرمت و تعمیرهای
بی در پی دائماً لازم دارند کفایت احتیاجات و لوازم
کارها را نمی کردند . و سخن در اینست اگر باینطورها
مأمورها را کم کنند یک روزی یک بلای ناگهانی
بظهور رسیده و اداره خود تصدیق خواهد نمود که
سوءبرتری کرده است .

نمیدانم آیا اداره این ملاحظات را کرده است یا نه ؟
آیا اداره می داند که اگر کم کردن مأمورین از حد
خود بگذرد حیات و زنده گانی مسافرین را بخط
خواهد انداخت ؟

از چندین باینطرف است که اداره مذکوره منتهای

آمال خود را در زیاد کر
گاهی میشود که از این
میکند و کار را بجای
و اطمینان برداشته می

اینکه کفیم حرص
میرساند که اعتبار
آرا توانیم بظنر آورد
اداره فهمید که یکی
جل و نقل اشیاء
آهن را میکردند .
گرفته است . و از این
و ملاحظه می شود که
اداره البته زیاد تر از آن
تواند کرد .

پس از آن این کار را آه
هزار لیرا بمقتاطعه داد
حاله با آن ارمینا و
نوشته شد از این فقره
مسئله عمده در میان است

تا کنون در نظامنامهها
اداره راه آهن جل و نقل
بدهد و درین مواد دو
بالایک جالها از حقوق
نظیر کرده پاداره مید
زیادتر از قرار عادلانه
می اندازند . و در هر صو
میکند که هر کس حق کرده

اداره مذکوره چندی
هیرم می سوزاند و این را
کرده است . لکن چنان
آهن را برای زغال ساخته
حرارت هیرم نمی تواند قطع
بدهد . و در اوقات معین
قرار صاحبان بار و
از اجرت کم بکشند
تمام میگرد .

صلاو برین جنگلهای
ندارد که ماشینهای راه
طورها در اندک زمانی
خواهد شد .

اداره معایب و نواقص دی
بعد در ضمن مقاله ها خواه

مقصود ازین تفصیل
مذکوره نباید تمامی خوا
مأمورین صرف نمایند
راملاحظه کرده و راه
قاعده و حسن اداره پیدا

آمال خود را در زیاد کردن منفعت دیده است . ولی گاهی میشود که از این جهت اعتبار و قیمت خود را کم میکنند و کار را بجای میبرسانند که از مردم امنیت و اطمینان برداشته می شود .

اینکه کفیم حرص منفعت حال اداره را بجای میبرساند که اعتبار خود را از دست میدهد نمونه آنرا توابع بنظر آورد چنانکه در چند ماه پیش اداره فیهید که یکی از مأمورین از حالتی که حمل و نقل اشیاء و اسباب انبارهای راه آهن را میکردند . هتصد برای عتقی تعارف گرفته است . و از این جهت آن مأمور را بیرون کرد و ملاحظه می شود که اگر مأمور هتصد لیا گرفت اداره البته زیاد تر از آن از حالتی مزبور دریافت تواند کرد .

پس از آن این کار را آورده بفرستادن در عوض هزار لیرا بمقاطعه داد . و حکایت کوتک زدن حالها بآن ارمینا و آن تفصیلی که در روزنامه نوشته شد از این فقره حاصل گردید که از این جهت مسئله عمده در میان است .

تاکنون در نظامنامه های راه آهن ندیده بودیم که یک اداره راه آهن حمل و نقل اشیاء و اسباب را بمقاطعه بدهد و درین مواد دو چیز را ملاحظه توانیم کرد یا اینکه حالها از حقوق مشروعه خودشان صرف نظر کرده بداره میدهند یا اینکه از مسافرن زیاد تر از قرارداد عادی گرفته وجه مقاطعه را را می اندازند . و در هر صورت اداره وجهی را دریافت میکند که هرگز حق گرفتن آنرا ندارد .

اداره مذکوره چندی است که بجای زغال در ماشینها هیرم می سوزاند و این راه صرفه و قناعت برای خود کرده است . لکن چنان میدانیم که ماشینهای راه آهن را برای زغال ساخته اند . و در این صورت قوت حرارت هیرم نمی تواند قطار را بطور مقصود حرکت بدهد . و در اوقات معینه بمثل برساند پس از این قرار صاحبان بار و مسافرن هم حق دارند از اجرت کم بگذرانند . و حال آنکه اداره اجرتها را تمام میکند .

علاوه برین جنگلهای رومایی این قدر درخت ندارد که ماشینهای راه آهن را کفایت کند باین طورها در اندک زمانی درختهای جنگلهای تمام خواهد شد .

اداره معایب و نواقص دیگر هم دارد که در نسخه های بعد در ضمن مقاله خواهیم نوشت .

مقصود ازین تفصیل این است که مدیران اداره مذکوره نباید تمامی حواس خودشان را بکم کردن مأمورین صرف نمایند بلکه باید بیک حال اداره را ملاحظه کرده و راه زیاد کردن مداخل را از روی قاعده و حسن اداره پیدا نمایند .

(استانبول)

از کارتهای لندن نقل کرده اند که اعیان راپون قرار داده اند . از روزنامهها و کارتهای و اوراقی که متعلق بآنها است رسوم و اجرت پوست گرفته نشود . و هر جا که در داخله مملکت راپون است . فرستاده می شود پوست خانها بجاننا و بلا اجرت بپند . اعیان راپون مشارالیه یکی از باستانهای مری مدیت است . و سفرای ایشان در این سالهای آخری بارها نزد دولتهای بزرگ فرستاده شده اند . و این قرار که در خصوص کارتهای داده اند حقیقه دلیل کمال ملت خواهی و آگاهی پروری ایشان است . و گاهی است که دولتهای دیگر باید تبعیت و پیروی آنها نمایند . نه اینکه باوجود معتنا بودن امر کارت در نزد دول و ملل متمدنه علاوه بر اجرت پوست یک رسم دیگری هم بنام پول و غیر گرفته شود .

(خبرهای تلگرافی از کارتهای وین)

را کوزه ۸ مارس

یک فرقه از اهل شورش که همراه (لوبو برادیک) بودند از حوالی لیوشوفه سرد آورده اند . و چند بارچه دهر آتش زده اند . روز یکشنبه فرقه مذکور با عساکر غیر نظامی دولتی جنگ کرده و شکست خورده اند . میگویند امر و جنگ بزرگی در حوالی قلیق در (اوتوو) واقع خواهد گردید .

را کوزه ۸ مارس

(اوقاتیکیج) و (ملتیئا) از سرکرده های اهل شورش با چهار صد نفر همراهان خودشان در حوالی قلعه (کریمج) هستند . دولت مآب اجد بخار با شایسته ترین حرکت نمودند که بقلعه نفوذ آذوقه بفرستند . اهل شورش در صدد این بوده اند که راه آذوقه را بگیرند . چند نفر جاپار از جانب روسیه باینجا رسیده و بجانب چتیه رفته اند .

را کوزه ۹ مارس

روز شنبه سعادتآب سلیم باشا بقلعه (غورانسکو) آذوقه داخل کرده و در مراجعت بقاچته در عرض راه بدسته های اهل شورش سوچیا و پکو پا و لوچ برخورد و جنگ مختصری واقع گردید که اهمیت ندارد .

را کوزه ۱۰ مارس

(رسمی) جناب سعادتآب سلیم باشا باد و هزار و پانصد نفر قشون از قاچته بخت پوه حرکت کرد که با آنجا آذوقه بفرستند . و پس از آنکه آذوقه را رسانید در مراجعت با اهل شورش برخورد . در حالیکه میخواستند سر راه ایشان را بگیرند و چند ساعت جنگ شده و بالاخر اهل شورش عقب رفتند و چند صد کس در آن میان تلف و مجروح گردیده اند .

را کوزه ۱۱ مارس

خبری که از قزاق طاع در خصوص غلبه اهل شورش در مورانچیه رسیده است بی اصل است . ولی اهل شورش این شایعه را منتشر کرده اند که در نظرها

تأثیری نباشد . بعد از این فقره عساکر عثمانیه بقلعه پیسوه آذوقه داخل کرده اند . و در عرض راه بچهار هزار نفر از اهل شورش تصادف نموده اند . عساکر دولتی که دوهزار و پانصد نفر بودند . اهل شورش را مغلوب و منهزم داشته اند . میگویند این روزها در کریمتاج جنگ بزرگی خواهد شد .

بناسبت نوروز وجهه تسویه و مبداء نام و تأسیس آن و بعضی مقررات را نوشتن خصوصاً بجهت ملل خارجه که اطلاع ندارند از لزوم نیست .

در خصوص نوروز در کتب قدیمه ایران و تواریخ و اخبار شروح بسیار نوشته اند و آنچه اجداد در وجه تسویه و مبداء آن کافی است ترجمه تفصیلی است که عاصم افندی مرحوم در تبیان نافع نوشته است

(در ضمن بیان لغت نوروز می نویسد)

(نوروز) بمعنی روز تازه و یوم جدید است سال دو روز را نوروز نامند نوروز عامه و نورز خاصه (نوروز عامه) اول فروردین ماه جلال است که روز تحول و تراکم نقطه تحول است . و در وجه تسویه آن مری است که جناب بیخون آفرید کار جل شانه و دلبرانه عالم واد را در آن روز آفرید . و همه ستاره کان در آن روز در اوجهای خود شان بودند و اوجهای آنها نیز در برج حل بود . و در آن روز سیاره کان مأمور بسیر و دوران شدند . و بعضی گفته اند جشید شاه که عرب او را منوشخ گویند و از پادشاهان مشهور پیشدادیان است (یعنی عادلان اول) و نام اصلی آنجیم بود در اطراف جهان سیروس یا سحر کرد ولایت آذر بایجان رسید و آنجا را بستید . و امر کرد در آن روز بیک ساعت تحول آفتاب بحمل بود . تختگاهی بسیار مریز و آراسته بچواهر و کوههای کرانه را بپیشرو ساخت و تخت مرصعی در آنجا ترتیب دادند . و خود با لباسهای پادشاهانه . افسری مرصعی بچواهرهای قیمتی بپوشیدند در بالای آن قرار گرفت . چون آفتاب طلوع کرد شعاع و روشنی آن مقام و لباس و تخت و تاج چشمه ها را خیره میکرد این رسم و آیین را که بدین همه خشنود و فرحنا شدند و مسود و مبارک شدند . آن روز را نوروز نام نهادند و چون در زبان پهلوی شید بمعنی شعاع و برتو است اضافه بچشم کرده گفتند جشید یعنی برتوچم و نام پادشاه به جشید معروف شد . آنروز را ایرانیان روز جشن و فیروزی قرار داده در هر سال آن رسم و آیین را برپا میدارند (نوروز خاصه) ششم ماه مزبور است یعنی روز ششم عید است که در آن روز جشید تخت نشسته جلوه ارکان دولت و خواص سلطنت را که در حضور او بودند مخاطب ساخته و سخن آغاز کرد . که خداوند جهان آفرین بسواتانی همه ما را از تنگنای نیستی بفضای وسیع هشی آورد . و ما را بسبب شرافت خرد و هوش از تنگنای جانوران و بهائم امتیاز داد . پس همگان را شایسته آنست که با لباسهای پاک و پاکیزه خود را داشت و شودیم و وضو بگیریم بدرگاه آفریننده معجده آوریم و شکر و سپاس کنیم . و میخواهیم امروز را ضبط و ثبت نموده و این عید را قاعده مقرره بداد رند . و در این باب اعتنا کرده در عهده شناسید .

اعیان دولت و ارکان سلطنت نیز قبول کرده و بر آن قرار دادند . و آنروز را نوروز خاصه نام نهادند .

کوین پادشاهان اکاسره در این شش روز که در میان نوروز عامه و خاصه هفت مساعدات و توجیهات مخصوصه در انجام مسئولات حاجتمندان مبذول میداشته اند و محبوب سین را از زندان خلاص می کردند و این شش روز را همه بعیش و خوشی و صفا و صحت و آسایش با هم دیگر بسر می بردند . و عرب نوروز نیز است (انشی)

در خصوص عید نوروز در کتب اخبار و تواریخ شروح بسیاری نوشته اند و آنچه از اخبار فهمیده می شود بعضی جهات مذهبی نیز بیان شده است . که اهل ایران را بیشتر باعث اعتنا گردیده . ولی سخنی در این مورد که تاسیس این رسم و آیین از جشید مانده است .

جشید برادرزاده طهورت و چهارم پادشاه از پیشدادیان است . که پیش از ایشان پادشاهی در دنیا نبوده است در حالات جشید چهره های اغراقی و خارج از عدالت بسیار نوشته اند که اهل تاریخ بجهت آنکه آذوقه کار تاریخ منظم نبوده است و راوی این سخنان کتب اهل فرس است که میگویند پادشاهان خود را فوق القابیه می ستودند و اکثر آنها را افغانه گفته اند .

لکن از جمله آنچه در حق جشید بسیاری از تاریخ نویسندگان عرب و عجم نوشته اند این است . که او اهل مملکت خود را بچهار قسم قرارداد (یکی) دانشمندان و اصحاب علوم و دین و کار ایشان این بود که بمرید قواعد و پادشاهی ملک و مملکت و آیین و آداب و اخلاق بیاموزند (دوم) نویسندگان و اهل قلم که بحسابات و امور تحریریه ملک را مباشر شوند (سیم) سپاهیان که بپوشش استعمال آلات جنگی پردازند و شایسته میدان جنگ باشند (چهارم) تجار و کسبه و صاحبان پیشه ها و صنعتها و برزگها .

و چهارم اداره قرارداد و برای هر کدام مهری مناسب آن اداره تعیین کرد و آن مهرها تا زمان ظهور دولت اسلام باقی و در نزد پادشاهان بود . در مهر مخصوص لشکریان نوشته بودند (رفیق و مدد دار) در خانم مالیات (آبادی و عدالت) در مهر مخصوص پاسبانان و بریدها (راستی و امانت) در مهر مخصوص مظالم (دادخواهی و سیاست)

موافق تاریخ اسلامیان و آنچه از تواریخ یهودان معلوم میشود نسب جشید بشش نسل بحضرت نوح صاحب طوفان میرسد . که جد بزرگ او کیومرث نواده جناب نوح و نخستین پادشاه در روی زمین بودی چنانکه حکیم طوسی فرماید .

نخستین خدوی که کشور کشود
سر پادشاهان کیومرث بود

و تسویه عید نوروز سلطانی

در تقویمهای اسلامبول و در سالنامه دولتی نوروز را

بعنوان نوروز سلطانی میوبسند . و این تعبیر مبنی بر تفصیلی است که اطلاع از آن لازم است . در تعیین و مطابق کردن روز نوروز با ماههای قمری و رویی و نوروز زمان بجهت دانستن حساب تحقیق کبیسه و مفرق بودن اسباب تحقیق و غیره اختلاف حاصل شده و کار تعیین نوروز هر چه و مرجع شده بوده است . تا در زمان سلطان جلال الدین ملک شاه سلجوقی امر کردند که هر چه اهل علم و دانش بدان سناره شناس و اهل ارباب و نجمن در قزوین ایران بود در پای تخت جمع کرده و انجمنی ساختند و از روی رصد بطلمیوس حسابها را درست کرده ساعت تحویل شمس را تعیین و چند روز را که بغلط معمول شده بود از حساب انداختند و اول فروردین ما را که میبایست روز نوروز باشد معلوم نموده آروز را که جمعه دهم ماه مبارک رمضان سنه ۴۷۱ بود نوروز سلطانی نام نهاد و تاریخ را مبدأ تاریخ جلالتی کردند که اکنون نیز در تقویمها بهمان حسابها معمول و مجری است .

(رسم عید نوروز در ایران)

اکنون در ایران اصطلاح نوروز خاصه و عامه نیست . ولی سلام خاص و سلام عامی هست (سلام خاص) در ساعت تحویل سال است . در این سلام مجلس مخصوصی ترتیب و ترتیب داده می شود . اعلیحضرت پادشاهی در روی مسند ملوکانه خودشان آرام گیرند و اعظم علمای اعلام و مجتهدین کرام و سادات لازم الاحترام . در سمت راست و چپ بدرجائی که دارند بنشینند . شاهزاده کان عظام و معتبرین و کلا و ارکان دولت هر کدامی در جاهای معین سر پا ایستاده باشند . در آن بزم خواجوها و اشراف کونه میوه های تازه اگر چه در غیر فصل هم باشد و از حلویات و دیگر حبوبات حتی کشمش و پنجه و شک و غیر شک در ظرفهای مخصوص گذاشته می شود و از آنجمله طبخی بر آتشکده های تازه از طلا و نقره درهم شده که مخصوص عید است در حضور همایون گذاشته می شود .

این مجلس بصحنهای علم و حکمت و خواندن دعاها امتداد باید تا آنکه ساعت تحویل رسد و شنلیک ثوب می کنند حضرات علما و اشراف و همچنین شاهزاده کان عظام و ارکان حضرت که حضور دارند از دست مبارک پادشاهی از سکه های تحویل که در دست نفر می باشد مشت از طلا و نقره به تبرک و میمنت گیرند و مجلس سلام بهم میخورد .

(سلام عام) در روز اول عید در حوالی ظهر در دیوانخانه همایون برپا شود . شاهزادگان محترم و بعضی وزرا و مقربان سلطنت در تالار همایون (که در اینجاها سالون گویند) در جاهای خودشان بایستند . و این تالار مشرف است به باغچه دیوانخانه مبارک . و ارتفاع آن از سطح باغچه تخمینا دومتو ونیم است . همه و کلا و ارکان دولت و اعیان حضرت تفاوت درجات خودشان در جاهای معین در پایین تالار ایستاده باشند . رؤسای لشکر و صاحبان مناصب نظامی در یک سمت صف کشیده . در مقابل آنها از باب قیام و مسنونین دیوان که در ایران خیلی محترم هستند . و همچنین البهای بزرگ و حکام ولایات و مأمورین دایره خارجیه و مأمورین ملکیه همه بلباسهای رسمی و نشانهای که دارند . و طایفه

از اهل قلم بلباسهای مخصوص که شیل و کلاه گویند . در باغچه دیوانخانه در جاهای مخصوص که ایشان اعلامی باشی باید آنرا ترتیب میدهند . در این سلام که خدا باین و معز آن تجارتیم دعوت میشوند و دوز تا دوز باغچه همه صاحب منصبان کوچک و بزرگ و دستهای فوج خاصه با راستی تمام صف می کنند . تا ساعت معین رسیده اخبار حاضر باش بانجمن سلام میرسد . موزیک میزند از درماین همایون اعلیحضرت شاهنشاهی بنالار مخصوص که تخت سلطنت در آنجا گذاشته شده است تشریف فرما شوند . و در بالای تخت سلطنت قرار گیرند . درحالتیکه تاج کیانی را در بالای سر داشته و مواریث و بادکارهای پادشاهان بزرگ از قبیل اسلمه و آلان جنگ آنچه هست هر کدامی در دست یکی از شاهزاده کان و وزرای دولت و مقربان حضرت گردون بسطت که نامزد باین خدمت هستند بوده باشد . آنکه خطیب که در برابر تالار ایستاده باشد خطبه بسیار فصیحی ب زبان فارسی انشاد و قرائت کند و آن خطبه مشتمل است بر توحید و سپاس جهان آفرین و آنچه در آن مقام با فضیلت فصل و وقت و انجمن عید توان آورد . و پس از آن درود و ستایش پیغمبر و آل اطهار بهمان مضامین مناسب آورده می شود . و ختم می کنند خطبه را بنام نامی و دعای وجود مسعود همایون و بقا و دوام دولت ابد آیت . و پس از ختام خطبه ملک الشعرا قصیده مناسب عید و مآند خطبه منظومه و نای پادشاهی میخواند . اینها که تمام شد اعلیحضرت پادشاهی نطق بیان مفرمانند . کلمات نخستین آن مشتمل بر تبرک عموم ملت است و درخواست از درگاه خداوندی که امسال بر همکنان یشوی و خوشی بگذرد . و پس از آن از کلیات کارهای سال گذشته و مأموری که انجام داده شده است . و آنچه در دست است و بایاید تابسیا انجام داده شود . بیانات ملوکانه فرموده و شخص اول دولت که غالباً مخاطب بخطاب پادشاهانه هستند مبادرت بعرض جواب کرده . سخن بدعای وجود مسعود همایون ختم میشود آنکه اعلیحضرت پادشاهی بر میخیزند و شلیک توپ می شود . و تا شش روز دیگر درخانه تعطیل است و در هر روزی یکی از وزرا و مأمورین و صاحبان منصبان و اجزای خودشان بترتیب مخصوصه بلباسهای رسمی بحضور همایون رفته مورد التفات و توجهات ملوکانه می شوند . و این همان شش روز است که در نخستین بنای تاسیس عید قرار داده شده است .

ولی اها لی عوما هر کسی که بایکدیگر معارفه و فی الجمله شناسایی دارد باید در ایام عید باهمدیگر ملاقات کنند . و بصحبت و صفا و خوشی بگذرانند و این یکی غریب است که علاوه بر تشریفات و شربت و شیرینی و جای و قهوه و غیره باید شیرینی هم در مجالس ملتی باشد و کلاب مصرف کنند . که این دوقطره هم از آثار بناهای جشید است . ولی کلاب بجای آب باشی است که الآن در صفحات بغداد عر بها هم این عید را شناخته و آب باشی می کنند . و سبب این دو کار را چنان نوشته اند که روز نوروزنی شکر را در ایران بعمل آورده بحضور جشید بردند . و امر کرد در آروز از حاصل نی شکر حلوها سازند . و اول آبی که از قناتنها بروی زمین جاری کردید در آروز بوده است .

در اینجا باید یک چیز افسوس خورد که جشید چهار هزار سال پیش ازین به ثبت اینکه نی شکر در ایران زیادتر کاشته شده و بعمل میاورند این حکم را کرد و تاحال رسم آن شیرینها و حلویات باقی ماند . و علاوه بر آن تفصیل جای خوردن و شربتها و غیر آنها هم علاوه شد . مع ذلک شکرهای مایابید از فرنگستان بیاید یا از هندوستان !

تعیین سال موافق تقویم ایران روز دوشنبه ۲۳ ماه صفر المظفر ۱۲۹۳

از روی زیج محمد شاه
۳ ساعت ۱۵ دقیقه ۵۱ ثانیه
از روی زیج فرنکی
۳ ساعت ۳۸ دقیقه ۳ ثانیه
باعت غروب با اصطلاح ایران از روز گذشته
موافق تقویم اسلامبول ساعت اذانی
۱ ساعت ۴۷ دقیقه ۴۲ ثانیه
از روز دوشنبه ۲۳ ماه گذشته

جناب مدیر لیل و نهار حول و احوال راه خیر و نیکی محول . و برجسته بندگان مبارک و مسعود فرماید آمین .

از مقاله کیمای زراعت

از محتاج الیه بودن هوا که بگذریم . هر قدر حیوانات بآب محتاج هستند . نباتات نیز بهمان طور آب را لازم دارند . یک قسم اجسام حیوانات آب است . یعنی جزء زیاده تر خون از آب است . و همچنین است نباتات که اکثر اجزای آنها هم آب است . مصرف اصلی و کار عمده آب در حقی نباتات اینست . که ماده های را که بنمو و حیات آنها لازم است حل نمایند و آن ماده ها را بهمین طور در رگهای حیوانات و عروق نباتات در میان حجرها و مخزنهای مخصوص آنها با آزادی جاری کنند .

آب تقطیر شده صافی چنانکه بیشتر گفته شد دو جسم را شامل است . یکی مولد المحوضه و دیگری مولد الماء . فقط در طبیعت این طور نیست هیچ کاهی در جاری طبیعت آب خالص پیدا نمی توان کرد . حتی قطره های باران نیز که از آسمان می آید آب صافی و خالص نیست . ولی اگر آب باران بی آنکه بروی چیزی بیفتد از هوا جمع آوری شود تا یکدرجه تمیز و صاف می باشد . و ازجهه صافی ترجیح بهم آنها خواهد داشت .

آب منجمه و چاهها و دیگر آبهای که جاری میشوند در میان آنها جسمهای مختلف و بیگانه بسیاری هست که در آنها حل شده است و این را هم بقرار ذیل درست می توانیم معلوم بکنیم .

مواد مذکوره بر دو گونه تواند بود یکی مواد عضویه است . و دیگری مواد معدنیه . مواد عضویه عبارت است از اجزایی که از اعضای پوسیده شده و تغییر یافته نباتات و حیوانات شده باشد . مواد معدنیه نیز از اجزای خاکی می شود . و فهمیدن مواد عضویه که در میان درد آب هست باقی ممکن است .

چنانکه اگر درد مذکور را ازته دیک یا تابه کند بروی سفالی که در روی آتش کرم شده باشد بگذاریم . هرگاه چنانچه سیاه شد معلوم می شود اجسام عضویه در میان آن هست . که اجسام مذکوره نیز بتأثیر حرارت ترکیبات خود را ازهم سوا کرده و غال را منفردا نفریق می کنند و از خود جدا می سازند . چنانکه درباره نای که بروی آتش گذاشته شده است گفته شد . و هرگاه آن درد در روی سفال مذکور سیاه شود معلوم است اجسام عضویه نبوده و حاوی مواد معدنیه بوده است .

(باز هست)

غلطه	مارت رومی	غروش	بار
اسهام عومه	۱۹	۱۷	
استقراض	۱۸۶۳	۱۱۲	
د	۱۸۶۵	۱۱۴	
د	۱۸۶۹	۱۰۷	
د	۱۸۷۲	۰۳۳	
د	۱۸۷۳	۱۰۴	
سندت راه آهن روم ایلی	۴۸	۵۰	ساتنیم
سوسنه جنرال	۰۳	۰۵	فرانک
شرکت عثمانیه	۰۲	۱۵	فرانک
اعتبار عومی	۰۳	۰۵	فرانک
تراموای	۱	۳۵	فرانک
کیبال	غروش	۱۱۱	۳۵
لندن ۳ ماهه بهر لیرای انگلیس	۱۱۱	۳۵	فرانک
پاریس	فرانک	۲۲	ساتنیم
فیثان مسکوکات لیرای عثمانی	از قرار صد غروش		
لیرای انگلیس	۱۱۱	۰۵	فرانک
لیرای فرانسه	۰۸۸	۱۸	فرانک
امپریال	۰۹۰	۰۰	فرانک
کریمیه	۰۵۱	۲۰	فرانک
روبل (منات) نقره	۱۶	۳۵	فرانک
منات کاغذی	۱۴	۱۸	فرانک
مجیدیه	۱۰۲	۲۰	فرانک
بشلیک	۱۰۵	۰۰	فرانک
متالک	۱۰۶	۲۰	فرانک
پول سیاه	۱۳۸	۲۰	فرانک

طاهر

مطهر و اواره خانه در خانه

مکتوبی به برای درج کان

مکتوبی که ابرت پر است از جانب ادار

این کازت از

اعیاد

عیدها و روزهای معین که گذاشته شده است . واستوار داشتن روابط این بر مناسبات انسانی و عر و خود شان بهمدیگر است بر محبت جنسیه و ملیه خود و مودت و شناسایی که در و آنچه مقصود از اجتماعات و مقدعائی که برای تمدن تهیه بخشد .

اعیاد و ایام مخصوصه باط و اهل و زمان و طبایع و معنوی در میان اقوام و مله شده . و آنها را روزهای مزید شرف و افتخار خ

بدیهی است اساس این اع است . و وجهات تأسیس بعضی از جهت دین و آبر است . که بواسطه و بزمبران هر سال مقرر سلاطین با عز و تمکین ترتیب داده اند . که از و قسم دیگر دولتی و رسمی یا خود ولادت و نام گذاری مخصوص کرده و همه عید آروزها دعوت نموده

جکتهها و منافع بسیاری مطلق گذاشته شده است . تأملی معلوم است . و دین و آیین در روزهای مقرر هر شعبه آشکار کار آن شعبه بلا رفته اس

اگر چه عید نوروز ملی است زمین سراغ از تأسیس آن